



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ميلاد پر برکت حضرت امام محمد باقر عليه السلام را تبریک عرض می نمائیم.

بجثمان در این بود که آیا امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است یا کفائی؟ در واجب عینی هر کسی موظف است آن مأمور به را انجام بدهد و اگر ترک کند معاقب خواهد بود، در واجب کفائی کل مردم مأمور و مخاطب هستند اما به قیام بعضی از کل ساقط می شود و اگر انجام نشود کل مردم معاقب خواهند بود.

آیات قرآن و روایاتمان اقتضاء می کند که امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی باشد زیرا بر همه مکلفین واجب شده و همه آنها مخاطب واقع شده اند و اصل در واجب، عینی بودن است وقتی که امر دائر شود بین اینکه واجب عینی باشد یا کفائی، تعیینی یا تخییری، توسلی یا تعبدی مقتضای اصل آن است که عینی باشد نه کفائی، تعیینی باشد نه تخییری و توسلی باشد نه تعبدی زیرا آن سه قسم دیگر قید لازم دارند و قید نیز در کلام نیست لذا اصل اطلاق اقتضاء می کند که در ما نحن فیه واجب عینی باشد نه کفائی.

صاحب جواهر رحمه الله علیه در جلد ۲۱ جواهر ۴۳ جلدی در صفحه ۳۵۹ و ۳۶۰ بعد از نقل قول و ذکر دو قول در مسئله یعنی واجب کفائی و واجب عینی می فرماید واجب کفائی می باشد زیرا ما در واجبات کفائیه تابع غرض هستیم و از غرض می فهمیم که واجب کفائی است و آن غرض باید حاصل بشود، در واجبات کفائیه غرض این است که انجام بشود و اگر بعضی ها قیام کردند از بقیه ساقط بشود و همیشه در واجبات کفائیه همین طور است، ایشان به تغسیل و دفن کفن میت مثال می زند که با قیام بعضی بر این امر غرض حاصل می شود و از دیگران ساقط می شود و می دانیم که مقصود شارع آن نبوده که همه

مکراً انجام بدهند و از طرفی می دانیم اصلاً ممکن نیست که همه با هم مجتمعاً این کار را انجام بدهند فلذا باید بگوئیم واجب کفائی است زیرا غرض که همان غسل و کفن و نماز و دفن میت می باشد حاصل شده است، این کلام صاحب جواهر بود که به عرضتان رسید.

ما گفتیم کلام ایشان چند اشکال دارد:

اشکال اول این است که ایشان در واجب کفائی نظر را به یک امر خاصی که جمعیت زیادی لازم ندارد بلکه با جمعیت کمی نیز محقق می شود برده است درحالی که روایات ما اینطور نمی گویند بلکه در روایات ما من جمله همان خبر امام باقر علیه السلام (خبر ششم از باب اول از ابواب امر و نهی) بسیار وسیع دانسته شده: "بها تقام الفرائض، وتأمين المذاهب، وتحل المكاسب، وترد المظالم، وتعمّر الأرض وينتصف من الأعداء، ويستقيم الامر" خب این غرض شارع است که بسیار وسیع است و در سطح جهان اینطور باید محقق بشود بعلاوه به این نکته نیز باید توجه شود که ما نباید نظر را مقصور به معروف هائی که فعلاً ترک می شود و یا منکرهائی که فعلاً انجام می شود کنیم بلکه باید طوری زمینه سازی شود که طبق نظر شارع مقدس تمام معروف ها در تمام زمانها عملی بشوند که این نیاز به تعلیم و تربیت و سیاست و فرهنگ و اقتصاد دارد و خلاصه این خیلی وسیع است چراکه تنها ایجاد نیست بلکه اعداد یعنی زمینه سازی نیز لازم دارد بنابراین چنین وسعتی دارد و منظور شارع نیز همین است، از طرفی در نهی منکر تنها رفع نیست بلکه دفع نیز لازم است، رفع آن است که تنها منکرات فعلی را در نظر بگیریم و در مقام برطرف کردنش باشیم اما دفع آن است که کاری کنیم که اصلاً منکرات بوجود نیایند، خب حالا با این وسعت نگرستن به معروف ها و منکرها معلوم است که باید واجب عینی و بر تمام مردم واجب باشد و هر کسی به اندازه توان خودش در این موضوع به این مهمی مشارکت داشته باشد.

در صحیفه سجادیه دعائی که امام سجاد علیه السلام هر روز خوانده این است که پروردگارا به من توفیق بده تا امر

به معروف و نهي از منکر کنم خب اين يعنى اينکه مردم از صبح که قدم به اجتماع می گذارند بدانند تمام معروف ها و ارزش هائی که شارع بیان کرده باید عملی بشوند و در مقابل تمام منکرات و ضد ارزش ها باید ترک بشوند که خب با اين وسعت می توان گفت که امر به معروف و نهي از منکر واجب عینی می باشد درحالی که صاحب جواهر غرض را فقط به غسل و کفن و دفن میت برده است. مطلب دیگر اینکه در قران و روایات و ارتکاز متشرعه شغل ها و مسئولیت ها و مهارت ها و تخصص ها و جایگاه ها اثر دارند لذا اگر در شغلی منکری بوجود بیاید اول به سراغ صاحب آن شغل می روند مثلاً حفظ مرزها به عهده مجاهدین است حالا اگر یک وقتی در این مرزداری کوتاهی شود اینها را مسئول و مقصر می دانند و یا مثلاً در مورد علماء خب آنها مسئول جواب به شبهات هستند و یا مثلاً ائمه جمعه که در شهرها هستند مسئولیت خاصی دارند و اگر منکری انجام بشود اول مردم می گویند چرا امام جمعه چیزی نگفته خلاصه اینکه ما می دانیم شغل ها و مسئولیتها موثر هستند "کلکم راع و کلکم مسئول" همه مردم مسئول هستند بنابراین ما نمی توانیم فقط بگوئیم واجب کفائی است و بعد بگذریم.

حضرت امیر علیه السلام در خطبه شقشقیه می فرماید: ﴿لَوْلَا حُضُورُ الْخَاصِرِ، وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارَّوْا عَلَى كِطَّةٍ ظَالِمٍ، وَلَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ، لَا لَقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِهَا﴾^۱، دو مطلب در اینجا ذکر شده که به بحث ما مربوط است، اول اینکه حضرت فرموده چون مردم حضور پیدا کردند من خلافت را قبول کردم، دو حال برای حضرت در نهج البلاغه ذکر شده، اول اینکه پیغمبر صلوات الله علیه و آله بعد از آن همه تأکید از دنیا رفته و حضرت امیر علیه السلام مشغول دفن و کفن پیغمبر است و از طرفی عده ای در سقیفه بنی ساعده جمع شدند و بعد آمدند گفتند کار تمام شد و ابوبکر خلیفه می باشد! حضرت فرمودند در

سقیفه که جمع شدند چه گفتند؟ گفت **قالت الانصار منا امیر و منکم امیر** و انصار تمام گذشته ها و تأکيدات پیغمبر را نادیده گرفتند! حضرت فرمودند اگر بنا بود انصار نیز در این مسئله سهمی داشته باشند پیغمبر نمی فرمود به انصار خوبی بکنید لذا معلوم می شود مراد کس دیگری بوده منتهی به خاطر خدمات انصار پیغمبر فرموده به آنها خوبی کنید و آنها را فراموش نکنید، سپس حضرت فرمود قریش و مهاجرین چه گفتند؟ قریش گفتند ما با پیغمبر از یک درخت هستیم، حضرت فرمودند احتجاج کردند به شجره درحالی که ثمره آن شجره من هستم، خلاصه تفرق و اختلاف بوجود آمد و حضرت بخاطر مصلحت اسلام از حق خودش کناره گیری کرد، در احتجاج طبرسی ذکر شده که فقط ۱۲ نفر از امیرالمومنین علیه السلام دفاع کردند من جمله مقداد و عمار و سلمان، در جلد ۴۸ و ۲۸ بحار نیز جریان ذکر شده و جالب اینکه سلمان فارسی صحبت کرده و در بحار نیز فارسی ذکر شده: **"قال السلیمان: کردید و نکردید و چه کردید"**، خوب واما وقتی که عثمان کشته شد مردم دور امیرالمومنین علیه السلام جمع شدند و هجوم آوردند به حدی که لباس حضرت پاره شد و حسنین علیهما السلام زیر پای جمعیت ماندند لذا حضرت خلافت را قبول کردند، که این یک درس بزرگ مردمی می باشد یعنی تا مردم نخواهند و قیام نکنند کار پیش نمی رود در همین انقلاب اسلامی ما نیز مردم قیام کردند و خواستند و لبیک گفتند و به میدان آمدند و سینه سپر کردند تا انقلاب پیروز شد.

خوب اما شاهد ما در بخش دوم فرمایش حضرت است که وظیفه علماء را بیان کردند و فرمودند: **"وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارَّوْا عَلَى كِطَّةٍ ظَالِمٍ، وَلَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ، لَا لَقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِهَا"** بنابراین فعلاً بحث ما در این خواهد بود که یکی از اصناف علماء هستند و مسئولیت بسیار سنگینی در امر به معروف و نهي از منکر دارند.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .